

۱۴۰۴۲۱۴

شماره پست

دیپلماسی فرهنگی

مطالعه موردی کشورهای افغانستان و تاجیکستان



دکتر خدیجه حاجیان

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه تربیت مدرس



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تهران ۱۳۹۴



فهرست مطالب

سخن ناشر / ۹

مقدمه / ۱۱

فصل اول: نقش زبان در گسترش قدرت نرم و نفوذ فرهنگی

مقدمه / ۲۱

تعریف و تحلیل مفهوم قدرت / ۲۱

مفهوم قدرت نرم و بزرگی‌های آن / ۲۴

بازیگر / و منابع قدرت نرم / ۲۶

تعریف فرهنگ / ۲۹

زبان فارسی ابزار توسعه قدرت نرم و نفوذ فرهنگی / ۳۵

دیپلماسی فرهنگی و نقش آن در قدرت نرم / ۳۷

مزایای دیپلماسی فرهنگی / ۳۸

فصل دوم: گاهی به برخی ارزش‌های انقلاب اسلامی و چگونگی گسترش آن‌ها از طریق زبان فارسی

مقدمه / ۴۳

معانی و دسته‌بندی ارزش‌ها / ۴۳

دسته‌بندی ارزش‌ها / ۴۵

نگاهی به شکل‌گیری انقلاب اسلامی / ۴۵

سیاست صدور انقلاب اسلامی از راه انتقال ارزش‌ها / ۴۷

شیوه‌های صدور انقلاب / ۵۲

فصل سوم: ظرفیت‌های زبان فارسی برای ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در کشورهای تاجیکستان و افغانستان

بخش اول: ایران فرهنگی / ۵۹

مقدمه / ۵۹

ایران فرهنگی: برابند اشتراک‌ها و پیوندهای تاریخی میان ایران، تاجیکستان و افغانستان / ۶۰

ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و تأثیر در کشورهای تاجیکستان و افغانستان / ۶۴

تاجیکستان / ۶۵

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در تاجیکستان / ۶۸

افغانستان / ۷۰

پیوندهای ایران و افغانستان / ۷۱

زبان و ادبیات فارسی در افغانستان / ۷۲

روابط ادبی ایران و افغانستان / ۷۳

بخش دوم: زبان فارسی، مهم‌ترین ابزار ترویج ارزش‌های انقلاب / ۷۳

زبان فارسی و انقلاب اسلامی / ۷۷

خطیب صدور انقلاب اسلامی / ۸۱

تعریف ادبیات انقلاب: ردا ده و نظریه‌ها و مسائل مربوط به آن / ۸۳

ویژگی‌های ادبیات انقلاب / ۸۵

انواع ادبیات انقلاب / ۸۸

مضمون‌های ادبیات انقلاب / ۹۱

جنگ تحمیلی و ادبیات انقلاب / ۹۳

زبان فارسی به‌منزله ابزار ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی / ۹۴

ظرفیت‌های زبان فارسی در ترویج ارزش‌های انقلاب در کشورهای موضوع تحقیق / ۹۶

فصل چهارم: راهکارهای ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی از طریق زبان فارسی

مقدمه / ۱۰۳

ابزارها و نهادهای لازم برای ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی به افغانستان و تاجیکستان / ۱۰۵

الف. نهادهای غیردولتی زیر نظر مستقیم مقام رهبری / ۱۰۶

ب. نهادهای دولتی / ۱۰۹

بررسی نقش مرکز گسترش زبان فارسی در ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی / ۱۱۹

راهکارهای پیشنهادی برای ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی برپایه زبان فارسی / ۱۲۳

نقش فرهنگ در ایجاد هم‌گرایی / ۱۲۴

هم‌گرایی بین سه کشور فارسی زبان بر مبنای نظریه ارتباطات / ۱۲۵

اقدامات انجام گرفته برای هم‌گرایی / ۱۲۷

موانع موجود در هم‌گرایی / ۱۳۵

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری / ۱۴۱

منابع و مآخذ / ۱۴۵



سخن ناشر

بی‌شک بالاترین و آخرین عصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند بسیار جزئی، از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی بوج و میان تهی است. هر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غریب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد (امام خمینی، ترجمه ج ۱۵: ۱۶)

رشد و توسعه اقتصادی و یا سیاسی بدون توجه به ارزش‌های والای فرهنگی می‌تواند موجبات سستی و اعوجاج در اصول اعتقادی و ملی جامعه را فراهم آورد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با انجام تحقیقات و طرح‌های پژوهشی و زیربنایی نشست‌های علمی با اصحاب علم و فرهنگ و ارائه نتایج حاصل در قالب «گزارش، روش» و یا «کتاب»، تلاش خود را صرف گسترش ارزش‌های اصیل فرهنگی می‌کند.

امید است با بهره‌گیری از توان علمی پژوهشگران، بتوان گام مؤثری در برنامه‌ریزی جامع توسعه کشور برداشت.

اثر حاضر، پژوهشی است با عنوان «دیلیماسی فرهنگی: مطالعه موردی کشورهای افغانستان و تاجیکستان» که دکتر خدیجه حاجیان با نظارت دکتر عباسعلی وفايي در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات انجام داده است.

یادآوری می‌شود، مطالب مندرج در کتاب حاضر لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه



نمی‌توان انکار کرد که راننداد انقلاب اسلامی ایران چه بسا مهم‌ترین عمل اجتماعی نهادی در دوران کنونی است. انقلابی که به‌واقع بیش از آنچه انقلاب در ساختار سیاسی باشد، انقلابی بنیادی بود که در درون مردم آن رخ داده بود و درواقع نتیجه «تغییر» نگرش‌ها و اندیشه افراد جامعه بوده است. اسلامی و انقلاب اسلامی و واقع شدن آن در سرزمینی فارسی از وجوه اختصاصی و ویژگی‌های بارز این انقلاب است.

چون ادبیات از ژرف‌ترین تجربه‌های بشری مایه می‌گیرد، دشوار است بتوان گفت از چنین واقعه و تجربه درونی عمیقی برکنار مانده است؛ بنابراین با چنین رویکردی کاویدن ادبیات پس از انقلاب برای یافتن جان‌مایه‌های انقلابی که به خوبی در فرهنگ غنی ایران اسلامی ریشه دارد، نه تنها امکان‌پذیر است؛ بلکه کاری است ضروری.

انقلاب اسلامی به هیچ روی، ناگهانی و برکنار از پیوند با فرهنگ غنی آزادی‌خواهی، وطن‌دوستی، حافظه تاریخی و سایر انگاره‌های ارزشمند که در ادبیات فارسی نیز به خوبی منعکس شده، روی نداده است؛ بنابراین جستن این رشته‌ها و تأمل در تعلقات فرهنگی و تاریخی ما و نیز ژرف‌اندیشی در جهان کنونی ایران فرهنگی می‌تواند سرفصل روابط فرهنگی روزآمد و مبتنی بر اشتراک‌های میان ما و فارسی‌زبانان در حوزه ایران فرهنگی باشد.

اصطلاح «ایران فرهنگی» و «ایران تاریخی» که به جای یکدیگر به کار می‌روند، دلالت‌های فرهنگی - تاریخی دارند که با ایران سیاسی کنونی و مرزهای جغرافیای سیاسی متفاوت است. در برخی متون، ایران تاریخی با تمدن ایلام در ۲۸۰۰ ق.م. آغاز می‌شود و حدود سیاسی آن با مادها و به‌ویژه با امپراتوری بزرگ هخامنشیان تعریف می‌شود.

یکی از مهم‌ترین مسائل درباره این اصطلاح، تعریف حدود مفهوم آن و روشن کردن ملاک‌ها و معیارهایش است. از میان معیارهای تعریف حوزه ایران فرهنگی می‌توان به ویژگی‌های مشترک قومی، جغرافیایی - تاریخی و فرهنگی (زبان، دین و هنر و...) اشاره کرد. برخی ایران بزرگ را قلمروی سیاسی تاریخی دانسته‌اند که در دوران مختلف حدود آن گسترش یافته است. از این منظر، رشته مشترک پیونددهنده و برساننده این اصطلاح، تاریخ مشترک و در نتیجه، تجربه تاریخی مشترک است که در آداب و رسوم و آیین‌ها، یعنی در بخش‌هایی از فرهنگ نمایان می‌شوند. با این وصف به لحاظ جغرافیایی، حدود امروزی ایران فرهنگی عبارت است از: تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، افغانستان، بخش‌هایی از پاکستان، آذربایجان و قفقاز، هند، و همچنین بخش‌هایی از عراق و ترکیه.

زبان در مقام مهم‌ترین محصول و ایجادکننده فرهنگ یکی از ملاک‌های معرفی شده برای تعیین حدود مصداقی این اصطلاح است. در است از فرهنگ در ایران فرهنگی، ادبیات فارسی مهم‌ترین مؤلفه فرهنگی است؛ حتی سایر عناصر، مانند نقاشی در تاریخ فرهنگی ما چنان با ادبیات درآمیخته است که شناخت آن بدون شناخت میراث ادبی ناقص خواهد بود؛ بنابراین مطالعه زبان و ادبیات فارسی نه تنها چیزی بیش از مطالعه یکی از ارکان فرهنگی این تأثیر و تأثر است؛ بلکه می‌توان آن را ابزار اصلی این تعامل دانست.

نقش تعاملی زبان و ادبیات فارسی در جایگاه مهم‌ترین مؤلفه فرهنگی میان ما و کشورهای ایران فرهنگی به‌ویژه افغانستان و تاجیکستان، دو کشور از حوزه ایران فرهنگی که در این کتاب تأکید بر آن‌هاست، اساساً ناشناخته مانده است. شناخت زمینه‌ها و ظرفیت‌ها، آگاهی از نظر متخصصان در این کشورها و نوع رویکرد و نگرش

آن‌ها به این موضوع، مؤلفه‌های دیگری است که پرداختن به آن‌ها از منظر این کتاب بسیار اهمیت دارد. همچنین زبان عنصر مشترک در هویت است و انتقال ارزش‌ها و باورها و نگرش‌های مشترک را در طول زمان و نسل‌ها برعهده دارد.

از سوی دیگر، شکل‌گیری ادبیات انقلاب اسلامی واقعیتی برآمده از رویداد انقلاب است که می‌توان آن‌را برجسته‌ترین ظرفیت زبان فارسی برای انتقال ارزش‌های انقلاب به همه کُر‌رهای حوزه ایران فرهنگی به‌ویژه تاجیکستان و افغانستان دانست. به‌جرت می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران توانسته است با ارائه الگوهای ارزشی جدید که طبق قانون اساسی عرصه حفظ جنبه هویتی ایرانی، دارای روح و رنگ اسلامی است، این الگوها را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر جامعه حاکم کند. این ارزش‌ها در قانون اساسی مورد تأکید و تصدیق قرار گرفته و هم متعلق به فرهنگ اسلامی است و هم می‌توان آن‌ها را از اجزای فرهنگ ایرانی دانست. این ارزش‌ها بخشی از هویت ما به‌شمار می‌رود که ادبیات ما تجلی پیدا کرده است. از دیدگاهی دیگر، امروزه عرصه روابط بین‌الملل به‌شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد؛ زیرا زبان فرهنگ، زبان ملایمی است که می‌تواند زمینه‌ساز و حامی روابط رسمی میان کشورها باشد.

توضیح اینکه، در عصر جدید هم‌زمان با از بین رفتن نظام دوقطبی و تحولات جدید در سیاست بین‌الملل، تغییر منابع قدرت از قدرت سخت‌افزاری به نرم‌افزاری، به معنای استفاده از علم، فناوری، فرهنگ و... تغییر کرده است.

در چنین وضعیتی، از زبان فارسی می‌توان در جایگاه وسیله‌ای به‌منظور هم‌رست‌سازی قومی و ابزاری برای گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی همچون عدالت و برابری، نفی سلطه بیگانگان، آزادی، استقلال و... استفاده کرد و از این راه صدور انقلاب را که یکی از اهداف هر انقلابی از جمله انقلاب اسلامی ایران است، محقق کرد. به‌منظور تحقق این هدف، زبان فارسی در جایگاه یکی از ابزارهای قدرت نرم نقش بارز و ارزنده‌تری دارد و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از این ابزار فرهنگی انقلاب اسلامی

را که خود بیشتر ماهیتی فرهنگی دارد، در سطح جهان گسترش دهد و به صدور ارزش‌های آن اقدام کند.

در این پژوهش سعی شده است با نگاهی به زمینه‌های تاریخی هویت فرهنگی مشترک ایران با کشورهای تاجیکستان و افغانستان، به چگونگی و کیفیت این امر، مسائل مربوط به آن، دیپلماسی فرهنگی، امکان‌ها و موانع پیش رو پرداخته شود.

در فصل‌های این کتاب به موضوعاتی همچون نقش زبان در توسعه قدرت نرم و نفوذ فرهنگی، مروری بر برخی ارزش‌های برخاسته از بطن انقلاب که تبادلات فرهنگی قابل ترویج هستند، قابلیت‌های زبان فارسی به عنوان حامل ارزش‌های انقلاب اسلامی، آن دسته از ارزش‌های انقلاب اسلامی که قابلیت ترویج از طریق زبان فارسی در کشورهای دیگر را دارند، سرانجام مهم‌ترین راهکارهای توسعه ارزش‌های انقلاب اسلامی از طریق زبان ادبیات فارسی پرداخته شده است. گفتنی است تاکنون مقالات و تحقیقات بسیاری در زمینه دیپلماسی انجام شده که در هر یک به نوعی به بخشی از مباحث نام‌برده پرداخته شده است؛ ولی عنوان و جامعیت موضوع پیش رو در پژوهش‌های پیشین دیده نمی‌شود. بنحویکه فقط به معرفی و بررسی یکی از ابعاد این موضوع پرداخته‌اند.

به طور کلی می‌توان این پژوهش‌ها را به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

گروه اول: آثاری که به بررسی ابعاد مختلف ریشه‌های گسترش انقلاب اسلامی در کشورهای مختلف جهان می‌پردازند؛

گروه دوم: آثاری که درباره معرفی تاریخ و فرهنگ در کشورهای افغانستان و تاجیکستان و بررسی اشتراکات این کشورها با ایران است؛

گروه سوم: آثاری که در آن به بررسی نقش زبان فارسی در ترویج انقلاب اسلامی ایران پرداخته شده است.

ازجمله این آثار «زبان فارسی حامل پیام انقلاب اسلامی» متن سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی صدا و سیماست

که در شماره ۴۴ کیهان به چاپ رسیده است. در این سخنرانی - معظم له - تأکید کرده‌اند که زبان فارسی حامل و رسانه خوبی برای انقلاب اسلامی است.

از آنجا که ماهیت این کار کم‌وبیش میان‌رشته‌ای است، سعی شده به تناسب هر فصل و مسئله مرکزی آن از رویکردهای گوناگون علوم سیاسی، ادبیات تطبیقی و چه‌بسا انسان‌شناسی فرهنگی کمک گرفته شود. مهم‌ترین مسئله چالش‌انگیز در کار تحقیق کم‌وبیش نظریه‌ای سامانمند در باب ادبیات انقلاب اسلامی، عدم روزآمدی بحث‌های مربوط به آن، به‌ویژه کمبود اطلاعات در زمینه ظرفیت‌های زبان فارسی به‌منظور گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی و نبود اطلاعات کافی و روزآمد از فضای کنونی کشورهای افغانستان و تاجیکستان، و مواضع فرهنگی آن‌ها بوده است.

پراکندگی و سامان‌ناپذیری اطلاعات مشکلی دیگر بوده است. بدیهی است پردازش حجم انبوه اطلاعات در زمینه ادبیات انقلاب که عمدتاً اطلاعاتی توصیفی و گاه دلبخواهانه و بدون نظریه بوده، در حوضه آن کار نبوده است؛ بنابراین اهدافی که بر آن‌ها تمرکز شده است، به‌طور مشخص عبارت‌اند از:

- شناخت ماهیت، ابعاد و برخی مصداق‌های ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی؛
- بازنگری و تأمل در تعامل فرهنگی میان انقلاب اسلامی ایران و دو کشور افغانستان و تاجیکستان (از کشورهای حوزه ایران فرهنگی) از طریق تکرار ادبیات انقلاب؛
- بررسی و تحلیل چگونگی اثرگذاری ادبیات انقلاب اسلامی بر جامعه ایران؛
- آسیب‌شناسی (شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها) روابط فرهنگی موجود میان ایران و کشورهای حوزه ایران فرهنگی در زمینه ادبیات فارسی،
- دستیابی به راهکارهایی برای تقویت تعامل.

«بررسی توانمندی‌های زبان فارسی در راستای صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی» موضوعی بین‌رشته‌ای است که به دانش‌هایی مانند جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، ادبیات فارسی، ادبیات تطبیقی و مطالعات روابط بین‌الملل مربوط می‌شود.

برای چنین کاری، اندیشیدن از زاویه دید ادبیات تطبیقی و روابط بین‌الملل و پرداختن به موضوع دیپلماسی عمومی در علوم سیاسی و چه‌بسا مطالعات فرهنگی بخش‌های جدایی‌ناپذیری بوده‌اند که باید به یکدیگر پیوند می‌خورند.

برای ادبیات تطبیقی کارکردهای مختلفی در نظر گرفته شده و این موضوع همواره محل بحث کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه بوده است. اینکه ادبیات تطبیقی باید بر ادبیات ملل متمرکز باشد یا خیر، اینکه باید بر شباهت‌ها تمرکز کند یا دانش بررسی تفاوت‌هاست، همه مسائل مورد بحث در این حوزه‌اند.

یکی از ساده‌ترین تعریف‌ها از ادبیات تطبیقی تعریف ذیل است:

ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از نقد ادبی است که از روابط ادبی ملل و زبان‌های مختلف و ارتباط ملل ادبیات ملت‌ها با یکدیگر سخن می‌گوید؛ در اصطلاح، حوزه مهمی از ادبیات است که به بررسی و تجزیه و تحلیل ارتباط‌ها و شباهت‌های بین ادبیات، زبان‌ها و ملیت‌ها می‌پردازد. به‌طور کلی انواع تأثیرات زبانی و حوزه‌های پژوهش در ادبیات فارسی به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. اثرگذاری ادبیات ایران بر دیگر ملت‌ها؛ ۲. تأثیر ادبیات دیگر ملت‌ها در ادبیات فارسی.

همچنان که ملاحظه می‌شود، مطالعه «روابط ادبی ملل و تعامل میان ادبیات ملت‌ها» بخشی از تعریف حوزه این دانش است. اما می‌تواند به ما امکان اندیشیدن به پیوندهای مشترک ادبی میان خود و تاجیکستان و افغانستان، می‌دهد و مبنایی نظری برای توجیه موضوع تحقیق فراهم می‌کند؛ بنابراین دست‌کم در ایران چنین تأثیر و تأثری به‌طور کلی تردیدی برجای نمی‌ماند.

بخش دیگری از این تعریف که به کار می‌آید، «اثرگذاری ادبیات ایران بر دیگر ملت‌هاست». بررسی ظرفیت‌های زبان فارسی برای صدور ارزش‌های انقلاب کاری است که باید ذیل چنین مبنای نظری سامان یابد. مرحله بعدی کار، اندیشیدن به محتوا و مضمون ادبیاتی است که قرار است اثرپذیری آن از جهات گوناگون بررسی شود؛ این محتوا همان مفهوم «ادبیات انقلاب» است.